

Examining examples of mental health of non-governmental organizations in the peace process and its obstacles

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Aurhors

Farideh Rafiei
Seyyed Bagher Mirabbasi*
Mansour Atashaneh

How to cite this article

Farideh Rafiei, Seyyed Bagher Mirabbasi, Mansour Atashaneh, Examining examples of mental health of non-governmental organizations in the peace process and its obstacles, Journal of Quran and Medicine. 2022;7(1):127-140.

1. PhD student, Department of Law, Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates.
2. Professor, Department of Law, Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates (corresponding author).
3. Professor, Department of Law, Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates.

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: s.b.mirabbasi2020@gmail.com

ABSTRACT

In the field of mental health, prevention is always the principle, to prevent the occurrence of disease, one of the problems that can be considered in the field of mental and physical health is the issue of war and its examples that lead to violence, for Prevention of war and violence, which has a direct relationship with health (mental and physical), we must pay special attention to the concept of peace and to promote the health of the society, and health at the global and international level. Non-governmental organizations, in turn, in the international and global arena, can be very effective on these two processes (peace/mental health). The expansion of the concept of peace and the development of its process on the one hand and the quantitative and qualitative diversity of non-governmental organizations on the other hand have included many examples of the interaction of non-governmental organizations in the field of peace. In other words, non-governmental organizations have directly and indirectly influenced the peace process, and of course, any type of influence has faced obstacles and challenges. Despite the importance of all the activities of non-governmental organizations in this field, it is not possible to review all of them in this article. Therefore, based on the different stages of the peace process, thematic and content relatedness of the discussions and the qualitative aspects of the effectiveness of non-governmental organizations, three main topics have been chosen. It is necessary to explain that in many cases, it is not easy to accurately distinguish the stages of the peace process. Therefore, it is difficult to distinguish between the effectiveness of the activity of a non-governmental organization in ending a conflict and the role of the same organization in consolidating peace. However, an attempt has been made to explore the effects and obstacles of non-governmental organizations and their role in mental health at the international level within the framework of the usual definitions that have been presented at each stage of the peace process. In this way, the role of peace with mental health and the role of non-governmental organizations in establishing it, and the effectiveness of non-governmental organizations in conflict resolution and arms control and the obstacles facing it are examined. Then, we will examine conflict management and peacekeeping in the second stage of the peace process, and analyze the role of non-governmental organizations and the challenges ahead. Finally, we will discuss the consolidation of peace and the presence of non-governmental organizations in judicial authorities.

Keywords: examples, mental health, peace process and obstacles, non-governmental organizations.

بررسی مصادیق سلامت روانی سازمان های غیر دولتی

در فرایند صلح و موانع آن

فریده رفیعی

دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

سیدباقر میرعباسی*

استاد، گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی (نویسنده مسئول).

منصور عطاخانه

استاد، گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

تسلیحات و موانع پیش روی آن بررسی می-گردد. سپس مدیریت مخصصات و حفظ صلح را در دومین مرحله از فرایند صلح بررسی کرده، ایفای نقش سازمان های غیردولتی و چالش های پیش رو را تحلیل می نماییم. سرانجام به تحکیم صلح و حضور سازمان های غیر دولتی در مراجع قضایی می پردازیم .

واژگان کلیدی: مصادیق، سلامت روان ، فرایند صلح و موانع، سازمان های غیر دولتی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۴

*نویسنده مسئول: s.b.mirabasi2020@gmail.com

مقدمه

منظور از سلامت روان درجه ای از تعادل است که فرد در مواجهه با مشکلات اجتماعی و سازگاری اجتماعی با محیط پیرامون خود، بین رفتارهای خویش برقرار می کند و رفتار منطقی از خود نشان می دهد. [۱] برای پیشرفت و رشد کشور در همه زمینه ها ابتدا باید از نیروی انسانی سالم، متفکر و خلاق استفاده کرد زیرا استفاده از نیروهای سالم جسمی و فکری در مؤسسات اقتصادی، خدماتی، آموزشی و صنعتی در بالا بردن سطح بهره وری اثر بسزایی دارد. مسائل غیر اخلاقی و غیر انسانی مانند جنگ، همه مسائل انسانی را تحت تاثیر قرار می دهد و این موضوع نه تنها یک مسئله داخلی است بلکه می تواند یک مسئله مهم جهانی باشد که ممکن است بر روی بسیاری از مسائل بین المللی و جهانی اثر بسزایی داشته باشد. سازمان های غیر دولتی در راستای ایجاد صلح اعم از صلح منفی (فقدان جنگ) و صلح مثبت (سایر مصادیق صلح) نقش جدیدی در مسائل بشر دوستانه از طریق ماموریت های مداوم در حفظ صلح ایفا می کنند. در سطح بین المللی نیز وجود سلاح های جنگی، جنگ افزارها، بمب های هسته ای زمینه منازعه و جنگ هستند حتی اگر منازعه و جنگ مستقیمی وجود نداشته باشد، این همان صلح منفی است. گالتونگ صلح مثبت را نیز علاوه بر صلح منفی، غلبه بر خشونت ساختاری و منازعه برانگیز می داند» [۲] صلح مثبت در یک تعریف یعنی احترام به حقوق بشر عدالت و جلوگیری یا پرهیز از خشونت ساختاری یا مستقیم که شامل عدم جنگ و نزاع، فقر، بی عدالتی، آسیب به محیط زیست، عدم بارداری و... می شود. با توجه به اینکه اتفاق افتادن هر یک از موارد فوق می تواند سلامت جسم و روان را در تمام جهان دستخوش تنگنا قرار دهد سازمان های غیر دولتی می توانند نقش مهمی در برقراری صلح و مهار جنگ و فقر و بی عدالتی و... ایفا کنند T و به این ترتیب با توجه به نقش سازمانی خود در بین موسسات غیر دولتی می توانند در سطح بین المللی و جهانی در این زمینه بسیار مثر ثمر باشند.

پیشینه تحقیق:

پیرامون سلامت روانی و مسئله صلح توامان در سازمان های غیر دولتی هیچگونه پژوهشی صورت نگرفته است. برخی تحقیقات در راستای سلامت روان و سازمانها صورت گرفته که عبارتند از:

چکیده

در عرصه سلامت روان همیشه اصل بر پیشگیری است، تا از وقوع بیماری جلوگیری کنیم، یکی از مشکلاتی که می تواند در حوزه سلامت روان و جسم مورد توجه قرار گیرد مسئله جنگ و مصادیق آن است که منجر به خشونت می شود، برای پیشگیری از جنگ و خشونت که رابطه مستقیمی با سلامت (روان و جسم) دارد باید به مفهوم صلح توجه ویژه داشته باشیم و برای ارتقای سلامت جامعه و بلکه سلامت در سطح جهانی و بین المللی بر گسترش آن اهمیت بورزیم. سازمان های غیر دولتی نیز به نوبه خود در عرصه بین المللی و جهانی می توانند بر این دو فرایند (صلح/سلامت روان) بسیار اثر گذار باشند. گستردگی مفهوم صلح و توسعه فرایند آن از یک سو و تنوع کمی و کیفی سازمان های غیر دولتی از سوی دیگر، مصادیق بسیار زیادی را در جهت تعامل سازمان های غیر دولتی در زمینه صلح در بر گرفته است. به عبارت دیگر سازمان های غیر دولتی بطور مستقیم و غیر مستقیم بر فرایند صلح تاثیر نهاده اند و البته که هر نوع اثرگذاری با موانع و چالش های مواجهه بوده است. علی رغم اهمیت همه فعالیت های سازمان های غیر دولتی در این حوزه، امکان بررسی تمامی آنها در این مقاله فراهم نیست. از این رو بر اساس مراحل مختلف فرایند صلح، ارتباط موضوعی و محتوایی مباحث و ابعاد کیفی اثرگذاری سازمان های غیر دولتی سه عنوان اصلی برگزیده شده است. لازم به توضیح است که در موارد بسیاری تفکیک دقیق مراحل فرایند صلح آسان نمی باشد. بدین جهت تمایز بین تاثیرگذاری فعالیت یک سازمان غیردولتی در پایان بخشی به یک مخصصه و نقشی که همین سازمان در تحکیم صلح دارد، دشوار می نماید. با این وجود تلاش شده است در چارچوب تعاریف معمولی که از هر مرحله فرایند صلح ارایه گردیده، تاثیرات و موانع اثرگذاری سازمان های غیر دولتی و نیز نقش آنها در سلامت روان در سطح بین المللی مورد کنکاش قرار گیرد. بدین صورت ابتدا نقش صلح با سلامتی روان و نقش سازمان های غیر دولتی در برقراری آن، و تاثیرگذاری سازمان های غیر دولتی در حل درگیری و کنترل

۱. «مقاله پیش بینی سلامت روان با بررسی متغیرهای عدالت سازمانی و کیفیت زندگی کاری». (۱۳۹۰). مصطفوی راد، فرشته. تابع بردبار، فریبا. زاهدی، صدیقه. فصلنامه: تازه های روانشناسی صنعتی/سازمانی.

- پژوهش فوق به بررسی رابطه سلامت روان با عدالت سازمانی و کیفیت زندگی کاریکارکنان کارخانه کاشی و سرامیک حافظ واقع در شهرستان زرقان پرداخته است.

۲. «الگوی ساختاری قرارداد روانی عدالت سازمانی رهبری اخلاقی مبادله رهبر عضو و حمایت سازمانی». (۱۳۹۰). گل پرور، محسن. جوادیان، زهرا. حسن زاده، خیرالله. مجله: روان شناسی تحلیلی شناختی.

- این پژوهش با هدف بررسی الگوی ساختاری روابط بین عدالت سازمانی، رهبری اخلاقی، مبادله رهبر - عضو، حمایت سازمانی ادراک شده و قرارداد روانی اجرا گردید. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که از طریق تقویت عدالت سازمانی، رهبری اخلاقی، مبادله رهبر- عضو و حمایت سازمانی می توان قرارداد روانی را تقویت نمود.

۳. «بررسی رابطه بین عوامل سازمانی با سلامت روانی کارکنان سازمانهای دولتی استان لرستان». (۱۳۹۴). قدم پور. عزت الله. فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان.

- به طور کلی نتایج پژوهش فوق حاکی از اهمیت نقش برخی از متغیرهای سازمانی در پیش بینی سلامت روانی کارکنان سازمانهای دولتی استان لرستان بوده است.

با توجه به مراحل مختلف فرایند صلح و اهمیت اقدامات بعمل آمده توسط مؤسسات غیر دولتی در این زمینه در جهت حل اختلاف و پیشگیری از درگیری و نیز خلع سلاح و کنترل تسلیحات، در این مقاله به بررسی تاثیرات سازمانهای غیردولتی در این خصوص می پردازیم. و نقش سازمانهای غیر دولتی در حل درگیری و چالشهای پیش رو بررسی شده است. کنترل تسلیحات و خلع سلاح و نقش موثری که این سازمانها در جهت متقاعد کردن جامعه بین المللی به پذیرش تعهدات مرتبط داشته اند، در خور توجه و تحقیق است.

از نظر اکثریت صاحب نظران مفهوم "پیشگیری از درگیری" روشن بوده، اشاره دارد بر اینکه می توان از مخاصمات مخرب و ویرانگر از طریق مداخلات خارجی قبل از اقدامات عمدتا خشونت بار جلوگیری به عمل آورد. این مفهوم به عنوان پدیده ای نو از لحاظ نظری و عملی رو به تکامل است. بروز جنگهای داخلی فراوان و خشونت های ناشی از آن از اواخر دهه ۱۹۸۰ و دهه ۱۹۹۰ یکی از دلایل توسعه این مفهوم است. جنگهای داخلی باعث سقوط دولت، نقض فاحش حقوق بشر و دیگر فجایع انسانی نظیر پاکسازی قومی و آوارگی و کوچ دسته جمعی گروه های بزرگ مردم شده اند، زیرا تمام این خشونت ها سلامت مردم جهان را به مخاطره می اندازند.

در راستای این پژوهش سولاتی نیز مطرح می شود که عبارتند از: سلامت روان چه تعریفی دارد و نقش سازمانهای غیر دولتی در برقراری صلح و سلامت روان در سطح جامعه و سطوح بین الملل چیست؟ پیشگیری از درگیری چه تعریفی دارد و چگونه مورد عمل

قرار گرفته است؟ آیا آگاهی و فهم مشترکی از درگیری های معاصر و به خصوص پیشگیری از درگیری وجود دارد؟ در این خصوص بایستی هم به نظرات و هم به رویه توجه نمود و احراز کرد که آیا تأکید بیشتر بر پیشگیری از درگیری می تواند در عمل دگرگونی عمده ای در مدیریت مخاصمات ایجاد کند؟ نقش سازمانهای غیردولتی در این حوزه چگونه است و بازیگران بین المللی با توجه به محدودیت های این حوزه، چگونه می توانند از ظرفیت های خود استفاده کنند؟

در این راستا و در سه مبحث مجزا ابتدا به مفهوم دیپلماسی پیشگیرانه و حل درگیری پرداخته، سپس چگونگی شناسایی، پیش بینی و مدیریت درگیری را ارائه می دهیم. در مبحث سوم نیز نقش سازمانهای غیر دولتی در پیشگیری از درگیری بررسی می گردد. سلامت روان و صلح و نقش سازمانهای غیر دولتی در رابطه با این دو فرایند:

منظور از سلامت روان درجه ای از تعادل است که فرد در مواجهه با مشکلات اجتماعی و سازگاری اجتماعی با محیط پیرامون خود، بین رفتارهای خویش برقرار می کند و رفتار منطقی از خود نشان می دهد. [۳] ابعاد سلامت روان شامل ناسازگاری جسمی، سوء عملکرد اجتماعی، و افسردگی شدید می باشد. تحقق سلامت روان در میان کارکنان و در نتیجه افزایش و تقویت بهره وری یک سازمان، با اتمام و توجه به برقراری مساوات و گسترش آن با اجرای عدالت، امکان پذیر می باشد. [۴]

همواره سازمان بهداشت جهانی به عنوان یک سازمان غیر دولتی و دانشمندان تأکید می کند که سلامت تنها نداشتن بیماری جسمی نیست، بلکه دارای ابعاد مختلف روانی، اجتماعی و معنوی است؛ سلامت روان، سلامت اجتماعی و سلامت معنوی در ادبیات علمی جهان وجود دارد، بنابراین تمام کسانی که در حوزه صیانت و ارتقای سلامت از جمله در ابعاد اجتماعی و سلامت روان و سلامت معنوی تلاش می کنند، فعالان عرصه سلامت هستند.

با توجه به ارتباط مستقیمی که میان مسئله صلح و سلامت روان در تمام جهان وجود دارد می توان به نقش سازمانهای غیردولتی (نظیر سازمان بهداشت جهانی) در پیشبرد اهداف صلح اشاره نمود. زیرا برقراری صلح جهانی در همه ابعاد آن از فقدان جنگ گرفته تا برقراری عدالت، از بین رفتن فقر و تنگدستی، عدم تبعیض و... در سازمانهای غیر دولتی بحث برانگیز بوده و حتی در سازمان ملل قابل دفاع می باشد.

نقش سازمان های غیر دولتی در اصالت مفهوم صلح می تواند چشمگیر باشد، مثلا دو سازمان «کواکرز» و «منونیتز» هر دو از سازمان های عملیاتی غیر دولتی هستند که پیوسته نقش میانجی گری در درگیری ها را بازی می کنند. سازمان هایی نظیر «پاگوش» و «دارت موث» مربوط به کنترل تسلیحات و مرزبندی های دوره جنگ سرد است. و سازمان «سنت ایگیدیو» هم در مذاکرات صلح موزامبیک بسیار اثرگذار بوده است. سازمان «بین المللی بحران» بر ظهور علائم نسل کشی کنترل داشته است و در حمایت از صلح و حقوق زنان در جنگ اقداماتی انجام داده است. سازمان های «هشدار جهانی» و سازمان «فیور» پیرامون اخطار در مورد قانون شکنی های

در این زمینه کوفی عنان دبیر کل اسبق سازمان ملل، گزارشی را در سال ۲۰۰۲ ارائه داد [۵] که پیشگیری از درگیری را به عنوان یکی از تعهدات اصلی کشورهای عضو معرفی کرده است. مطابق یادداشت دبیر کل در زمان ارائه این گزارش مسئولیت اصلی پیشگیری از درگیری به عهده دولت‌هاست و البته جامعه مدنی نقش مهمی در این امر به عهده دارند. پیشگیری از درگیری باید در ابتدایی‌ترین مرحله ممکن یک چرخه درگیری شروع شود تا بیشترین تأثیر را داشته باشد. یکی از هدف‌های اصلی اقدام پیشگیرانه باید رسیدگی به دلایل ریشه دار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی، نهادی و دیگر دلایل ساختاری باشد. از اینرو نیازمند نگرشی فراگیر است که اقدامات کوتاه مدت و بلند مدت سیاسی، دیپلماتیک، انسان دوستانه، حقوق بشر و توسعه ای را شامل شود. پیشگیری از درگیری اساس مأموریت سازمان ملل متحد را در حفظ صلح و امنیت بین المللی تشکیل می دهد. مطابق این گزارش علت مستقیم درگیری ممکن است بروز ناآرامی عمومی یا اعتراض به یک حادثه خاص باشد، اما علت ریشه ای آن ممکن است بی عدالتی ها و نابرابری های اجتماعی، اقتصادی، تبعیض نظام مند قوی، محرومیت از حقوق بشر و یا اختلاف بر سر مشارکت سیاسی باشد. [۶]

پیشگیری به دو صورت امکان پذیر است: ۱- عملیاتی که در مورد بروز بحران آتی کاربرد دارد، ۲- ساختاری که به منظور تضمین عدم شکل گیری درگیری و یا عدم تکرار می باشد. یک راهکار منسجم برقراری صلح که مبتنی بر برنامه های سیاسی، عمرانی، بشردوستانه و حقوق بشر باشد، نقش حیاتی در پیشگیری از درگیری ایفا می کند. پیشگیری مؤثر از درگیری از شروط اساسی حصول و حفظ صلح پایدار است که متقابلاً پیش شرط توسعه پایدار، تلقی می شود. در حقیقت، هنگامی که توسعه پایدار به دلایل ریشه ای درگیری

می پردازد، نقشی مهم در پیشگیری از درگیری و ترویج و کمک به صلح ایفا می کند. [۷]

در پیشگیری از درگیری، دیگر ارکان سازمان ملل خصوصاً مجمع عمومی از طریق ارائه توصیه های مناسب برای جلب توجه شورای امنیت به موقعیت هایی که احتمال دارد صلح و امنیت بین المللی را به خطر اندازد، ایفای نقش می کنند. همچنین بر اساس ماده ۱۴ منشور، مجمع عمومی می تواند انجام اقداماتی را برای حل مسالمت آمیز هر موقعیتی بدون توجه به مبدأ و منشأ، که احتمال دارد به رفاه کلی یا رابطه دوستانه بین دولت ها صدمه بزند، توصیه کند. دستور کاری برای صلح، اقدام مفیدی در این زمینه بوده است.

اعلامیه برنامه اقدام در مورد فرهنگ صلح نیز، گام مهمی در پیشگیری از درگیری بوده است که در آن از کشورهای عضو، جامعه مدنی و نیز نظام ملل متحد، خواسته شده فعالیت های مربوط به پیشگیری از درگیری را ترویج کنند. قطعنامه دیگر تحت عنوان «فرهنگ فعالیت های صلح»، به پیشگیری از درگیری در مواردی

آغازگر منازعات فعالیت می کنند. سازمان «جامعه بین المللی زنان در صلح و آزادی» در مذاکرات خلع سلاح در نیویورک با سازمان ملل همکاری می کرد.

سازمان های غیر دولتی در اغلب موارد در مسائل مهم جهان نقشی پررنگ داشته است. آنها در ایجاد امنیت پایدار و صلح جهانی بسیار کوشیده اند و از این نظر مبانی آنها به قوعد گفتمان صلح اسلامی بسیار نزدیک است. گرچه در بعضی موارد ممکن است این سازمانها خود به طور مستقیم در صحنه نبوده اند اما بسیاری از اقدامات بشردوستانه و مبتنی بر صلح با کمک آنها صورت گرفته است. در این مقاله بعد از بررسی رابطه سلامت روان و صلح با یکدیگر و نقش سازمانهای غیر دولتی در ایجاد صلح و به تبع آن برقراری سلامت روان اینک به بررسی مصادیق سازمانهای غیر دولتی در فرایند صلح و موانع آن می پردازیم:

مفهوم دیپلماسی پیشگیرانه و حل درگیری

پیش تر در بحث امنیت انسانی یادآوری شد که علت اصلی درگیریها برآورده نشدن نیازهای بشری است. وقتی نیازهای فردی و گروهی برای امنیت جانی و رفاه، دسترسی به مشارکت سیاسی و اقتصادی و آزادی بیان در مسائل فرهنگی و مذهبی مورد تهدید قرار بگیرد، احساس بی عدالتی افزایش می یابد و گروه های قومی و مذهبی و طبقاتی برای یافتن راه حل تشکیل می گردد. عدم توجه به امنیت انسانی که مجموعه ای از نیازهای فوق است و در پی آن عدم پاسخ دهی به موقع و درست به مطالبات این گروه ها که به طور عمده در مراحل ابتدایی بصورت غیر خشن اعلام می شوند، ریشه اصلی درگیری های درون جوامع است. از زمانی که دستور کاری برای صلح با محوریت پیشگیری از درگیری ارائه شد تاکنون حجم گسترده ای از تحقیقات و مطالعات چند جانبه در این خصوص صورت گرفته اما هنوز ابعاد دقیق این مفهوم روشن نشده است. بیشتر مطالعات صورت گرفته مبتنی بر تجربه بوده و فاقد یک چارچوب نظری و تعاریف عملیاتی مرتبط می باشند. سیاست گذاری های دیپلماتیک سنتی تمایل دارند که بدون تغییر واقعی در ماهیت و محتوا، مفهومی جدید از آن ارائه دهند. مجموعه ای از عناوین برای پیشگیری از درگیری ارائه شده است که از آن جمله: "مداخله کور"، "مداخله پیچیده"، "مداخله مستقیم"، "مداخله ساختاری"، "دیپلماسی پیشگیرانه"، "مدیریت پیشگیرانه"، "استقرار پیشگیرانه" می باشند.

پیشگیری مشتمل بر مفاهیم متنوع و سیاست گذاری های هنجاری است. صاحب نظران علی رغم توافق بر ضرورت توسعه و ارتقاء نظام هنجاری بین المللی برای جلوگیری از درگیری ها، از این حقیقت که ادراکات متنوع و فهم متفاوت و اغلب رقابتی در خصوص پیشگیری از درگیری وجود دارد، غافل مانده اند.^۵

5. Preventive Diplomacy
6. Preventive Engagement
7. Preventive Deployment
8. Aggestam

1. Blind Prevention
2. Complex Prevention
3. Direct Prevention
4. Suuctural Prevention

چون خلع سلاح، حقوق بشر، کمک انسان دوستانه، دموکراتیک سازی، نابودی محیط زیست، تروریسم و ایدز پرداخته است. [۸]

برقراری صلح پیشگیرانه، یکی از راهکارهای مثبت در پیشگیری از درگیری است که می‌تواند تعامل در جهت دستیابی هدفمند بین شورا و مجمع را فراهم کند. شورای امنیت می‌تواند استفاده از فرمول آریا یا ترتیبات مشابه دیگر برای بحث‌های غیر رسمی در بیرون از اتاق‌های شورا برای تبادل دیدگاه‌ها درباره پیشگیری را مورد بررسی قرار دهد. [۹]

شورای اقتصادی اجتماعی دیگر رکن سازمان ملل است که بر اساس به رسمیت شناخته شدن اهمیت و ارزش روشی یکسان و هماهنگ برای دستیابی به صلح، امنیت، احترام به حقوق بشر و توسعه پایدار می‌تواند در همکاری با شورای امنیت و مجمع عمومی فعالانه وارد عمل شود و همین می‌تواند کانال ارتباطی قوی سازمان‌های غیر دولتی، با دیگر ارکان هم باشد. ایجاد گروه‌های مشورتی که از نمایندگان سازمان‌های غیردولتی در آنجا حضور و فعالیت دارند.

بر اساس گزارش کوفی عنان عملیات حفظ صلح هر چند همیشه کار کرد یا پیشگیرانه دارند چرا که هدف همه آنها جلوگیری از بروز یا تکرار درگیری است، اما اگر قبل از شروع درگیری مستقر شوند این کار کرد بیشتر است. این امر سه بار طی دهه ۱۹۹۰، با نیروی استقرار پیشگیرانه ملل متحد در جمهوری مقدونیه یوگسلاوی سابق، هیات ملل متحد در جمهوری آفریقای مرکزی و مجموعه‌های از عملیات متوالی در هائیتی رخ داده است. صرف نظر از این ویژگی مشترک که کشورهای میزبان آنها در یک درگیری خشونت‌آمیز داخلی یا بین‌المللی شرکت نداشتند، در همه این موارد امکان و یا احتمال بروز درگیری مسلحانه و رضایت کشورهای مربوط به انجام عملیات حفظ صلح به عنوان شکلی از پیشگیری و نیز تصویب عملیات به وسیله شورای امنیت وجود داشت. [۱۰]

ندرت استقرار پیشگیرانه نشان می‌دهد که جامعه بین‌المللی تمایلی به هزینه کردن سرمایه سیاسی و مالی لازم برای یک عملیات صلح بدون دلیل روشن برای استقرار که با درگیری علنی و آشکار فراهم می‌گردد، ندارد. در استقرار پیشگیرانه همچون در سایر اشکال حفظ صلح برای بررسی دلایل ریشه‌ای درگیری دیدگاهی چند مجهولی مورد نیاز خواهد بود. اصلاح، بازسازی و تجدید ساختار سیاسی، تلاش در جهت حاکمیت قانون، خلع سلاح، مرخص کردن مبارزان سابق از خدمت و ترفیق دوباره آنان در جامعه، آگاهی از وجود مین‌ها و پاکسازی مین‌ها، ایجاد و توسعه نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر ممکن است از بخش‌های حیاتی این تلاش‌ها باشند. [۱۱]

بدین ترتیب دو دسته از این پیشگیری‌ها شامل: پیشگیری ساختاری و پیشگیری مستقیم یا عملیاتی‌ترین کاربرد را دارند. در پیشگیری ساختاری، تمرکز بر شناسایی عللی که از ابتدا باعث بروز اختلاف شده است، می‌باشد. چنین رویکردی به تعامل و تعهد دراز مدت نیاز دارد و تلاشی است برای مقابله با ساختارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نظیر: ایجاد نهادهای سیاسی و دموکراتیک و یا توسعه اقتصادی و اجتماعی که ممکن است مانع از بروز مخاصمه شود. پیشگیری ساختاری، در جنگ‌های داخلی و در فعالیتهای مرتبط با دولت‌های ناتوان یا از هم پاشیده، مقدم و پیشرو است چرا که در

وضعیت پس از اختلاف در جهت بازسازی ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عمل می‌کند. در حالی که پیشگیری مستقیم و یا عملیاتی، دستور العمل محدودتری دارد و تمرکز بر اتخاذ سیاست‌های کوتاه مدت و واکنش طرفین اختلاف و اشخاص ثالث دارد. این دیدگاه یک آرمان جاه‌طلبانه پیشگیری است که فاقد دستورالعمل مجاز جامع، کنترل شده و هدایتگر می‌باشد. [۱۲]

هدف اصلی و اولیه در پیشگیری نه حل مباحث اختلافی و رفع بنیادی مشکلات، بلکه کنترل و حذف عوامل تشدید کننده خشونت در درون و بین دولت‌ها است. در نتیجه تمرکز عملیات پیشگیرانه در مرحله پیش از درگیری است و در مرحله متوقف کردن خشونت و نیز وضعیت پس از مخاصمه، فعالیتی دیده نمی‌شود. البته باید توجه کرد که آنچه به عنوان پیشگیری ساختاری در اینجا تعریف می‌شود، متفاوت از توسعه اقتصادی است که در برنامه عادی دولت‌ها گنجانده شده است.

چگونگی شناسایی، پیش‌بینی و مدیریت درگیری شناسایی و آگاهی از عوامل محرک درگیری پیش نیاز اساسی پیشگیری مؤثر از درگیری است، چرا که بیشتر اختلافات از حیث محتوا محدود معینی دارند. این پیش‌بینی نمی‌تواند صرفاً در محدوده علوم اجتماعی صورت گیرد. پیشگیری از درگیری نیاز به ارزیابی عوامل ساختاری و افزایش دانش در زمینه ریشه‌ها و منابع واکنش-های خصمانه در تحریکات فوری سیاسی دارد. امروزه جمعیت غیر نظامی اکثریت قربانیان جنگ را تشکیل می‌دهند و تمایز بین رزمنده و غیر رزمنده دشوار است. طرفین درگیری دولت و یا بازیگران غیردولتی هستند. از این رو پرسش در مورد شناسایی و به رسمیت شناختن بازیگران غیردولتی بسیار مشکل است. عدم تقارن اقتصادی، نظامی و سیاسی بین دولت و بازیگران غیر دولتی بر تلاش‌های مختلفی که برای جلوگیری و حل مسالمت‌آمیز اختلافات بکار گرفته می‌شود، مؤثر است. در این راستا درک مفهوم جدیدی از امنیت که در مقابل ساختار فرو پاشیده و شکست خورده دولت و خشونت گسترده علیه حقوق بشر قرار می‌گیرد یعنی "امنیت انسانی" لازم است. در پیشگیری مستقیم، اختلاف به عنوان یک پدیده عام دیده شده که درون دولت‌ها، غیر نظامیان، جنگ‌های هسته‌ای و دسته‌های تروریستی حمایت شده توسط برخی دولت‌ها، جریان می‌یابد. در نتیجه تمرکز به طور عمده بر روی فعالیت‌های اشخاص ثالث است و توجهی به "هدف جلوگیری و غایت آن" نمی‌شود. بنابراین جلوگیری مستقیم با تمرکز اصلی روی "جلوگیری کننده" عمل می‌کند و این اشکال بزرگی است اما، تمرکز اصلی در پیشگیری ساختاری روی درمان و نه شیوه عملیات است. [۱۳]

چالش اصلی در جامعه بین‌المللی چگونگی مدیریت اختلافات داخلی، قومی و همگانی است که در مقایسه با اختلافات بین‌الدولی، رو به افزایش است. پیچیدگی روز افزون و شیوع فجایع بشری نظیر پاکسازی قومی و نقض فاحش حقوق بشر عمده‌ترین دلایل برای اهمیت یافتن بحث‌های علمی و نظری در خصوص پیشگیری از درگیری است به گونه‌ای که تحلیل‌های علمی صاحب‌نظران و تلاش‌های عملی بازیگران باید توأمان باشد. امروزه توجه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی به "پیشگیری از درگیری" بیشتر شده است.

حل درگیری های چندوجهی و پیچیده امروزی، بازیگران کثیری را طلب می کند. [۱۶]

از آنجا که محرک ها و ویژگی های درگیری های معاصر متفاوت از مخاصمات بین الدولی سنتی است، سازوکارهای گذشته به طور محدود قابل اعمال است. در نتیجه تجدید نظر در سازوکارهای مداخله بین المللی در درگیری های معاصر ضروری به نظر می رسد. سازمان های غیردولتی می توانند در چنین شرایطی در توسعه "پیشگیری از درگیری" عمل کرده، تغییراتی در مدیریت بین المللی اختلافات ایجاد نمایند. [۱۷]

نقش سازمان های غیر دولتی در پیشگیری از درگیری به تمرکز سازمان های غیردولتی در سطح بین المللی به طور عمده در زمینه هایی از قبیل توسعه، محیط زیست، خلع سلاح، کمک های بشردوستانه و حقوق بشر است. اخیراً خیلی از سازمان های غیردولتی به فعالیت های پیشگیرانه و توسعه جامعه جهانی با تلاش برای حل درگیری ها، علاقه زیادی نشان می دهند. [۱۸]

اغلب درگیری های معاصر، تضاد روابط دولت با جامعه است که در آن قربانیان جنگ در درجه اول غیر نظامیان هستند. این اولین دلیل اصلی برای افزایش ارتباط سازمان های غیردولتی در پیشگیری از درگیری به خصوص گروه های حقوق بشری و دیگر گروه های مدافع انسانی نظیر عفو بین الملل، سازمان های کمک رسانی بشردوستانه نظیر کمیته بین المللی صلیب سرخ، انجمن های ارتقاء توسعه اقتصادی، اجتماعی نظیر آکس فام و گروه های حامی روش های حل درگیری، نظیر مرکز کارتر در آتلانتا می باشد. [۱۹]

اطلاع رسانی اولیه بخش اساسی "پیشگیری از درگیری" را تشکیل می دهد. تمرکز این بخش بر جمع آوری، تفسیر و مکتوب کردن اطلاعات در خصوص اختلافات بالقوه و خاص است. سازمان های غیردولتی اغلب اولین بازیگرانی هستند که از خطرات افزایش اختلافات آگاه شده و تمایل دارند آخرین نهادی باشند که تا اطمینان از پایان درگیری در مناطق درگیری، استقرار داشته باشند. اطلاع رسانی توسط سازمان های غیر دولتی به ایجاد شبکه ای از مردم و انجمن ها در جهت آگاهی و نظارت بر اختلافات کمک می کند به طوری که راه حل های پیشگیرانه و حمایتی مشابه و مرتبط به هم در سطوح مختلف مردمی برای توانمندسازی و ایجاد صلح شکل می گیرد. در حقیقت، در این جا سازمان های غیر دولتی نقش سنتی خود در امداد رسانی و فعالیت های نوسازی و توانبخشی را ادامه می دهند. بدین ترتیب مجموعه فعالیت های آنان منجر به گذار از مرحله درگیری به فرایند سازش پایدار در بین طرفین درگیر خواهد شد. [۲۰]

سازمان های غیردولتی می توانند راه های ارتباطی را تسهیل نمایند، گفتگوی صلح آمیز بین طرفین اختلاف را تشویق کرده، با تبلیغات تنفر آفرین مقابله کنند. علاوه بر آن، سازمان های غیردولتی قادر هستند با حضور فوری در محل شواهد و دلایل مستند و موارد معین مربوط به نقض حقوق بشر را استخراج کرده، اطلاعات جمع آوری شده را به سازمان های بین المللی مربوط ارائه نمایند. همه این فعالیت ها مسیری را دنبال می کند که منجر به پیشگیری از درگیری خواهد شد.

سازمان ملل متحد نمونه واضح این وضعیت است که نقش رهبری اصلی را در جلوگیری از درگیری ها به عهده داشته است. کوفی عنان دبیر کل اسبق سازمان ملل اعلام کرد هدف، ایجاد یک فرهنگ گسترده جهانی از "پیشگیری از درگیری" است که در آن حقوق بشر مقدم بر هر امری است. مری رابینسون کمیسر عالی اسبق ملل متحد در حقوق بشر تأیید کرد که، تمرکز باید بر اجرای استانداردها و ارزش های بین المللی باشد که جهانی و متمایز شده هستند و عملی نشدن آنها، شکاف عظیمی بین آرمان و واقعیت ایجاد کرده است. [۱۴]

تحقیقات و رویه عملی، تنوع وسیعی از تعاریف و سازوکارها را در حوزه پیشگیری از درگیری نشان می دهد که نهایتاً مفهوم دقیق و روشنی از آن منتج خواهد شد. در تلاش برای ایجاد پل در فاصله ایجاد شده بین نظریه و عمل، تأکید اصلی روی شناسایی اختلاف است. جلوگیری از هر درگیری نیاز به ملاحظه و تدقیق موضوع در شرایط خود را دارد؛ چرا که هیچ الگوی پیش بینی دقیق از علت و اثرات قابل شکل گیری نیست. علاوه بر آن لازم است ارزیابی درستی از سازوکارهای متنوع در درگیری های مختلف بعمل آمده، پس از تجزیه و تحلیل با هم مقایسه شود، تا اقسامی از مشترکات مشروط استخراج و زمینه های قابل استماع، بحث شوند. در چنین مباحثاتی باید به مسئله زمان و اهمیت آن توجه داشت؛ به این معنا که باید هم زمان بکارگیری سازوکارهای پیشگیرانه و هم محدوده زمانی قابل اجرا را در نظر گرفت.

ابزارهای سنتی دیپلماسی و مدیریت درگیری ها از جمله میانجی-گری، حفظ صلح با تحریم ها اغلب در چارچوب پیشگیری مستقیم عمل می کنند. این ابزارها مبتنی بر ساختار و استقلالایی بوده و محدودیت زمانی دارند، ضمن این که بیشتر واکنشی و نه پیش گیرنده می باشند. دیدگاه رو به رشدی بین دولت ها و سازمان های بین الدولی شکل گرفته که پیشگیری از درگیری به منابع بیشتر و سرمایه گذاری زمانی گسترده تری نیاز دارد. اصولاً کار برای صلح نیازمند کنترل نمودن، به خدمت گرفتن و همکاری چندین عامل در سطوح مختلف است. ناکامی تلاش های دولت ها و سازمان های بین الدولی و نمایندگان منتخب و وابسته به دولت ها، جستجو برای راه حل در مسیر دیگری را اقتضا نمود.

در تجزیه و تحلیل رویه عملی مرتبط با "پیشگیری از درگیری"، نقش و اهمیت فعالیت های سازمان های غیردولتی به طور خاص قابل توجه است. این سازمان ها در بسیاری از حوزه های بین المللی و اشکال متنوع پیشگیری به ویژه در مخاصمات بین المللی و داخلی معاصر و در مقابله با روابط متزلزل دولت - جامعه بازیگران مهمی هستند. حرکت از دیپلماسی بر اول، یعنی از مذاکرات و اقدامات رسمی بین دولت های حاکم و نمایندگان آموزش دیده آنان به دیپلماسی مسیر دوم که خارج از نظام حاکمیتی و به طور غیر رسمی اتفاق می افتاد، منجر به ظهور بازیگران زیادی در حل درگیری و فرایند نهادینه سازی صلح شده است. سازمان های غیر دولتی، گروه های آگاهی بخش و حتی شهروندان عادی بخشی از این بازیگران هستند. [۱۵] علاوه بر اینها پایا سازمان های بین الدولی چون سازمان ملل و سازمان های منطقه ای را هم به فهرست اضافه نمود، چرا که

شناسایی و تحلیل نمایند. اطلاعات که مبتنی بر دریافت گزارش‌های مستند و پیگیری وقایع و انجام طرح‌های تحقیقاتی است، جمع‌آوری و نسبت به ارزیابی وضعیت‌هایی که احتمالاً نیاز به دخالت مؤثر است، اقدام می‌گردد. این مرکز در مواردی از مقامات رسمی و نمایندگان ویژه دبیر کل سازمان ملل در خصوص موارد لازم برای اقدام و مشاوره، اطلاعات می‌گیرد.

یک نمونه از مأموریت‌های کارتر، مذاکرات وی با کیم ایل سونگ، رئیس جمهور سابق کره شمالی بود، که در نتیجه آن، وی موافقت کرد برنامه هسته‌ای کشورش را در مقابل برقراری مجدد گفتگو با ایالات متحده امریکا متوقف سازد. این اقدام مانع از ایجاد بن بست در مذاکرات دو دولت شده، در نهایت منجر به انعقاد موافقت‌نامه- ای شد که خطر گسترش افقی سلاح‌های هسته‌ای را کاهش داد. نمونه دیگر مأموریتی بود که در ارتباط با خروج رهبران نظامی هائیتی و واگذاری مجدد قدرت به رئیس جمهور منتخب صورت گرفت. این ابتکار منجر به خاتمه سه سال بحران موجود و جلوگیری از حمله به هائیتی شد، اقدام‌های مرکز کارتر با همکاری بسیاری از دیگر سازمان‌های غیر دولتی و بین‌الدولی و رهبران آفریقایی در رواندا و بروندی نیز قابل توجه است. اقدام‌های مرکز کارتر و مؤسسات مشابه که معمولاً در ظرفیت غیر رسمی و با پشتوانه رسمی صورت می‌گیرد، در جایی که تلاش‌های دیپلماتیک مسیر اول با شکست مواجه شده‌اند، نتیجه بخش بوده، مسیر مذاکره مستقیم و توافق برای حل درگیری و پیشگیری از مخاصمه را هموار می‌کند. [۲۳]

ب- برگزاری کارگاه‌های حل مشکل، در این رویکرد محققین علوم اجتماعی با تخصص در فرایندهای گروهی و حل درگیری، نمایندگان طرفین درگیر را در یک محل بی طرف که اغلب مراکز علمی و دانشگاهی خواهد بود، گرد هم می‌آورند. این نمایندگان می‌توانند از مقامات غیر رسمی با کسانی که نفوذ داشته، روی روند تصمیم‌گیری تأثیر دارند، انتخاب شوند. این کارگاه‌ها نقش میانجی‌گری ندارند، بلکه در تلاش برای تسهیل حل درگیری از طریق ارزیابی درگیری و کشف طیف وسیعی از راه‌حل‌های بالقوه هستند. منطقه مورد نزاع، هنجارها، قواعد بنیادی و دستورالعمل‌ها طوری طراحی می‌شوند که نوعی از تعامل را جایگزین تعارض بین طرفین نموده، برداشت‌ها را تغییر و نظرات جدید وجود آورند در این کارگاه‌ها تلاش می‌شود تصویری متفاوت از دشمن‌ارایه شده، طرفین را قادر سازند با یکدیگر ارتباط برقرار سازند و به مثمر ثمر بودن ارتباط اعتقاد یابند. این کارگاه‌ها در توسعه نگرش‌های مشترک نسبت به آینده‌ای مطلوب سهم دارند. نگرش‌هایی که در نهایت منجر به کاهش ترس طرفین از مذاکره شده، در روند تغییر شکل روابط بین طرفین مفید هستند. این رویکرد تنها به عنوان وسیله‌ای برای آماده کردن زمینه برای مذاکرات اساسی‌تر در نظر گرفته می‌شود برگزاری کارگاه‌های حل مشکل در اختلاف داخلی و بین‌المللی طویل‌مدت مؤثر است. چنین روشی در مواردی نظیر ایرلند شمالی، قبرس، سری لانکا، تاجیکستان و خاورمیانه خیلی بکار گرفته شد. گفتمان تاجیکستان نمونه دیگری است که طیف گسترده‌ای از تاجیک‌ها در ۱۹۹۳ بعد

فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی در پیشگیری از درگیری فعالیت سازمان‌های غیر دولتی در جهت پیشگیری از درگیری نیز حل درگیری را می‌توان در چهار محور الف - ایفای نقش سازمان‌های غیردولتی در مقام مذاکره کننده و با میانجی ثالث، ب - برگزاری کارگاه‌های حل مشکل، ج - انتشار و توسعه نظریه و تحقیق در مورد حل درگیری د - رایه مشاوره به سازمان‌های بین‌الدولی تقسیم‌بندی کرد. [۲۱]

الف - ایفای نقش سازمان‌های غیر دولتی در مقام مذاکره کننده و با میانجی طرف ثالث: سازمان‌های غیردولتی در این موارد با هدف پیشگیری و حل درگیری به عنوان میانجی اصلی بین طرفین درگیر وارد شده، از طریق مذاکره غیر رسمی و گفتگو و دیگر روش‌هایی که منجر به اعتمادسازی بین طرفین می‌گردد، به آنها کمک می‌کنند تا به راه حلی برای پایان بخشی به درگیری دست یابند. در منازعه موزامبیک، راه حل صلح‌آمیز انجمن سنت آگیدو به عنوان میانجی طرف ثالث مؤثر واقع شده، در اثر تلاش‌های میانجی- گرانه این سازمان غیر دولتی، امروز در موزامبیک صلح برقرار است. در بررسی عملکرد این سازمان یکی از مهم‌ترین نکات، طولانی بودن روند اعتمادسازی برای طرفین درگیر بوده است. این سازمان در طول چهارده سال با طرفین ارتباط برقرار کرده، به هر دو طرف کمک امدادی می‌کرده است.

وقتی تلاش‌ها برای پیشبرد روند صلح و انتخاب یکی از روش‌های میانجی‌گری با مذاکره مستقیم و نیز انتخاب محل گفتگو نتوانستند به نتیجه برسند، انجمن سنت آگیدو وارد عمل شد. این سازمان در رم میزبان گفتگوهای شفاف شد که در نهایت منجر به میانجی‌گری رسمی گردید. این گفتگوها دو سال به طول انجامید و چهار دولت ناظر و سازمان ملل نیز به آن اضافه شدند. در نهایت موافقت‌نامه صلح منعقد و سازمان ملل روند اجرایی آن را به عهده گرفت [۲۲]

درگیری بین آرژانتین و شیلی در کانال بیگل، سومین نمونه ایفای نقش یک سازمان غیر دولتی در دیپلماسی پیشگیرانه و حل یک منازعه است. بالا گرفتن اختلاف بین این دو کشور و تهدید به جنگ باعث دخالت واتیکان شد. یک کاردینال و یک سازمان غیر دولتی میانجی‌گری را بعهده گرفتند. تلاش آنان پس از شش سال منجر به حل منازعه شد. باید توجه نمود که در وضعیت‌های فوق، تمایل طرفین درگیر به حضور و مداخله سازمان‌های غیردولتی نسبت به حضور و مداخله دولت‌های دیگر و سازمان‌های بین‌الدولی بیشتر بوده است، اما معمولاً این بازیگران نیز در پشت صحنه حاضر بوده، ضمن ترغیب سازمان‌های غیردولتی از آنان حمایت نموده‌اند.

مرکز کارتر، سازمان غیر انتفاعی است که برنامه حل درگیری نسبتاً موفقی داشته است. بدین منفلور، شبکه مذاکره بین‌المللی را تشکیل داده است که مرکب از رهبران جهانی و متخصصین در پیشگیری و حل درگیری از سازمان‌های بین‌المللی، دانشگاه‌ها و دیگر بنیادها و سازمان‌های غیردولتی می‌باشد. اعضای این شبکه یک بار در سال به همراه دیگر متخصصین گردهم می‌آیند تا وضعیت‌هایی که ممکن است نیاز به توجه ویژه در طول سال بعد داشته باشند را

1. Beagle

2. Carter Center

از جنگ داخلی [۲۴] گردهم آمدند و مجموعه‌ای از نشست‌ها در پنج سطح برگزار و نتایج مفیدی به دنبال داشت. [۲۵]

ج- توسعه و انتشار نظریه و تحقیق توسط سازمان‌های غیر دولتی: درک کامل مفهوم حل درگیری، مدیریت صحیح و نتیجه بخشی روش‌های حل درگیری، نیاز به توسعه نظری و تحقیق علمی دارد. سازمانهای غیردولتی خصوصا آنهایی که بر اساس دانش آکادمیک و تحقیقات علمی ایجاد شده‌اند، این نقش مهم را می‌توانند به خوبی ایفا کنند. آنها مفاهیمی را توسعه و منتشر می‌کنند که برای درک بهتر از عامل درگیری، روندی که باعث تشدید یا تقلیل درگیری می‌شود و انواع راه حل‌های ساختاری و بنیانی که موثر بر حل درگیری هستند، لازم است.

نمونه این سازمان‌های غیر دولتی، برنامه هاروارد در مورد مذاکره، مرکز تحلیل درگیری در دانشگاه جورج میسون، موسسه تحقیقات بین‌المللی صلح اسلو، مؤسسه نروژی موضوعات بین‌المللی می‌باشد. این مراکز ادبیات مرتبط با پیشگیری و حل درگیری را از طریق انتشار چندین مجله مانند مجله تحقیقات صلح، مجله مذاکره، مجله حل درگیری و مذاکره بین‌المللی توسعه داده، از این راه یافته‌های خود را به‌طور منظم در اختیار جامعه بین‌المللی قرار می‌دهند.

اگر چه فاصله بین محققان و مطالعه کنندگان صلح با اجراکنندگان وجود دارد، اما تلاش‌ها در هر دو جهت برای کاهش این فاصله آغاز شده است. آکادمی بین‌المللی صلح با برگزاری کنفرانس‌های منظم و برنامه‌های آموزشی سالانه با حضور محققان و مجریان و با حمایت سازمان ملل از پیشروان این اقدام است. در برنامه‌های این موسسه که از ۱۹۹۳ با موسسه آموزش و تحقیقات سازمان ملل برای اجرای برنامه دوستی در صلح سازی و دیپلماسی پیشگیرانه همکاری می‌کند، از متخصصان سازمان ملل، سازمان‌های منطقه‌ای، سازمان‌های غیردولتی پیشگیری از درگیری نظیر مدیریت درگیری هاروارد، دعوت به عمل می‌آید.

مؤسسه صلح ایالات متحده نیز، مشابه این کنفرانس‌ها و میزگردها را با مجریان سیاست خارجی و محققان تشکیل داده و با تبادل و اشتراک نظر، به تحلیل مشکلات پرداخته‌اند. علاوه بر آن این مؤسسه برنامه انتشاراتی وسیعی دارد که هدف آن در دسترس قرار دادن مطالعات پیشگیری و حل درگیری است.

د- مشاوره سازمانهای غیردولتی به سازمان‌های بین‌الدولی و ارزیابی آنها: سازمان‌های بین‌الدولی مدت زیادی است که از خدمات مشورتی سازمان‌های غیر دولتی در جهت تنظیم رویکردهای معنادارتر در تحلیل، پیشگیری و حل درگیری استفاده می‌نمایند. به عنوان مثال کمیساریای عالی سازمان امنیت و همکاری اروپا در امور اقلیت‌های ملی از گروه مدیریت درگیری هاروارد درخواست کرد تا با کارمندان این مرکز برای تنظیم روش مورد عمل آنها همکاری کند.

آکادمی بین‌المللی صلح، به اتحادیه آفریقا برای توسعه نظرات و دستیابی به اجماعی در سازوکارهای پیشگیری، مدیریت و حل درگیری در آن سازمان مشاوره می‌دهد. بخش مدیریت درگیری اتحادیه آفریقا با سازمان دیده‌بان بین‌المللی مستقر در لندن و مرکز آفریقایی حل منازعات در دانشگاه دوربان آفریقای جنوبی برای

توسعه ظرفیت هشدار در درون تشکیلات خود، همکاری می‌کند. مشابه این همکاری‌ها در دیگر نقاط دنیا هم نمونه‌های زیادی دارد. سازمان گفتگو بین کشورهای امریکایی با سازمان کشورهای امریکایی همکاری علمی می‌کند. آسه آن از همکاری شورای همکاری امنیتی در منطقه آسیا - پاسیفیک در جهت مطالعه مسائل دارای اهمیت در توسعه سیاست‌های آن سازمان و نیز برگزاری سمینار مشترک بین محققان و مجریان بهره می‌برد.

همکاری با سازمان‌های بین‌الدولی در سطح مردمی در تلاش برای برقراری آشتی بین گروه‌های اجتماعی، از دیگر اشکال ارتباط مشترک بین آنهاست. برنامه سازمان کشورهای امریکایی برای پیشگیری و حل درگیری‌های محلی که با درخواست دولت گواتمالا برای جلوگیری از درگیری بین پناهندگان در حال بازگشت و بازماندگان در درون کشور برقرار گردید، نمونه جالبی است. برنامه مذکور به دلیل کافی نبودن توان سازمان کشورهای امریکایی با همراهی و کمک چند سازمان غیر دولتی، انجام شد.

در کنار این گونه ارتباطات، سازمان‌های غیردولتی در سال‌های اخیر شروع به مطالعه نمونه‌های موردی از تلاش‌های حل درگیری نموده‌اند. هدف آنها استخراج و ارائه توصیه‌هایی برای بهبود بخشی اقدام‌های مرتبط با حل درگیری است. آکادمی صلح لاهه چند طرح تحقیقاتی انجام داده است که به‌طور عمده در بررسی و تحلیل تلاش‌های نهادهای سازوکار صلح توسط سازمان ملل بوده است. موسسه صلح ایالات متحده نیز، تلاش‌های دو یا چند جانبه حل درگیری را مورد مطالعه قرار داده است.

موانع و محدودیت‌های همکاری سازمان‌های غیردولتی در پیشگیری از درگیری

بعد از جنگ سرد شاهد به چالش کشیده شدن روزافزون کمک‌های دولتی از سوی سازمان‌های غیردولتی هستیم، کمک‌های بخش توسعه در شکل خصوصی شده، اما در هدف عمومی هستند. سازمان‌های بین‌الدولی از امور توسعه‌ای و امدادی بشردوستانه فارغ شده، با تفویض اختیار به سازمان‌های غیردولتی در این زمینه‌ها آنها را حمایت می‌کنند. چنین وضعیتی به نظر می‌رسد ناشی از پاسخ مناسب غرب به بحران‌های سیاسی و مخاصمات خشونت بار است. چنین خصوصی‌سازی منجر به ایجاد یک "مدل حمایتی جدید" شده که تمرکز اصلی آن روی رفاه، توسعه مردم محور و حمایت عام از جامعه مدنی و دموکراسی سازی است. همچنین می‌توان آن را به عنوان تلاشی برای "داخلی کردن" و انحصار اثرات بحران‌های سیاسی و درگیری‌ها در محدوده مناطق بی‌ثبات دانست و به نوعی از انتشار آنها جلوگیری کرد. [۲۶]

این روند در خصوص امور مرتبط با "پیشگیری از درگیری"، به دلایلی مورد انتقاد واقع شده است:

اولاً؛ خصوصی‌سازی سیاست‌های جهانی منجر به غیر سیاسی شدن "پیشگیری از درگیری" که وجودش بسیار پر ارزش است، می‌شود. فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی و سازوکارهای توسعه‌ای اغلب هم با مشکلاتی تکنیکی مواجه بوده، هم فاقد ابزار سیاسی برای مدیریت درگیری می‌باشند. اما برخی دیگر روند خصوصی‌سازی سیاست‌های جهانی را بخشی از دستورالعمل سیاسی جدید اقتصاد نئولیبرالی و

نظریه دموکراسی آزاد غربی می‌داند. سازمان‌های غیردولتی در این دیدگاه برای تبلور و تجلی اموری که دولت‌ها قادر به آن نیستند، نظیر رهایی از بوروکراسی وسیع، انعطاف‌پذیری و نوآوری، سرعت عمل در اجرای تلاش‌های توسعه‌ای و پاسخ سریعتر به نیازهای عموم مردم عمل می‌نمایند. [۲۷]

ثانیاً؛ عده‌ای معتقدند ماهیت آنچه که سازمان‌های غیردولتی را کانون توجه قرار داده است با این حقیقت که برخی از آنها بیش از نیمی از منابعشان را از طریق دولت تأمین می‌کنند، زیر سؤال می‌رود و بی‌معنا می‌شود. تغییر مدیریت مالی ممکن است سازمانهای غیردولتی را تشویق به توسعه فنون و ابزارهای تأمین مالی و رقابت در یک بازار بی‌قاعده و سخت سودآور بنماید. [۲۸]

چشم انداز افزایش همکاری بین دولت‌ها، سازمان‌های بین‌الدولی و سازمان‌های غیردولتی در پیشگیری از درگیری بستگی به وجود فهم مشترکی از جنگ و صلح به‌طور عام و پیشگیری از درگیری به‌طور خاص دارد. پیش‌تر گفته شد پیشگیری در دو مفهوم کلی پیشگیری مستقیم و ساختاری بکار می‌رود. در پیشگیری مستقیم بطور عمده همکاری دولت با بازیگران نزدیک به خود، کوتاه مدت، موردی و مبتنی بر روش‌های سنتی مدیریت مخاصمات است. پیشگیری ساختاری بر دیدگاه‌هایی که عوامل ریشه‌ای را مورد نظر دارند، متمرکز است. سازمان‌های غیردولتی در حوزه دوم یعنی پیشگیری ساختاری تمایل به فعالیت دارند. [۲۹] این سازمان‌ها در پی حل نیازهای بشری و ارتقاء حقوق بشر و نهادهای دموکراتیک هستند، تمایز بین دو دیدگاه پس از جنگ سرد افزایش یافته، چرا که مسائل ارزشی نظیر عدالت و اخلاق اهمیت بسیاری پیدا کرده است. این دیدگاه پذیرش رو به رشدی در حوزه‌های بین‌المللی داشته، به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر حل و فصل صلح‌آمیز محسوب می‌گردند. [۳۰]

چنین تمایلی یک مرز جدا کننده بین حمایت‌گران جامعه مدنی فراملیتی و سیستم دولت و ستفالیابی ایجاد می‌کند. تعدادی از صاحب‌نظران این دیدگاه‌ها را با هم سازگار نمی‌بینند، اما عده دیگری معتقدند این دو نفر می‌توانند مکمل یکدیگر در تلاش برای پیشگیری و حل درگیری باشند. در عمل بین دولت‌ها، سازمان‌های بین‌الدولی و سازمان‌های غیردولتی از نظر روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در سطح جهانی، استقلال و عدم وابستگی وجود دارد. هر کدام از طرفین به دیگری بی‌اعتماد بوده، در کار کردن با او راحت نیست، چرا که نگاه آنها نسبت به صلح و درکشان از این مفهوم متفاوت و گاهی در رقابت با هم است. به تبع چنین شرایطی مدیریت پیشگیری از درگیری نیز از سوی هر کدام از آنها بر اساس اساسنامه خودش که متفاوت از دیگری است صورت می‌گیرد. به عنوان مثال در ارزیابی برخی از دولت‌ها از اطلاعات ارائه شده توسط سازمان‌های غیردولتی ادعای دقیق نبودن و عدم تعادل آنها مطرح می‌شوند. این امر به این دلیل است که سازمان‌های غیردولتی طبق دستورالعمل‌های خود عمل می‌کنند که با دیدگاه‌های بسیاری از دولت‌ها، انطباق ندارد.

- در جوامع در حال گذار نظیر جمهوری‌های استقلال یافته شوروری سابق و در درگیری‌های رخ داده در مناطقی چون گرجستان، تاثیرگذاری سازمان‌های غیر دولتی بستگی به ارتباط بین سازمان‌های

غیردولتی محلی و شرکاء آنها دارد. چرا که تنظیم دستور العمل‌ها، تأمین مالی و ارزیابی طرح‌های اجرایی در چگونگی این ارتباط تعین می‌یابد. از یک سو در میان سازمان‌های غیر دولتی محلی رقابت برای مشارکت بیشتر و برخورداری از فرست‌های اعلامی توسل سازمان‌های غیر دولتی بزرگ وجود دارد و از سوی دیگر به چالش کشیدن فعالیت‌ها و ایجاد سو، ظن نسبت به آنها، اعلام بی‌اعتباری ابتکارات و اطلاعات سازمان‌های غیردولتی محلی به لحاظ وابستگی و همکاری با سازمان‌های غیردولتی از سوی دولت‌ها و مقامات محلی بخش از روند پر چالش پیش روی این سازمان‌ها است. [۳۱]

"مسئله اعتبار" به‌طور خاص به صورت یک مشکل در آغاز اطلاع رسانی‌های سازمان‌های غیردولتی بروز می‌کند. مع ذلک اتفاق نظر گسترده و نیاز ابراز شده‌ای در بین دولت‌ها، سازمان‌های بین‌الدولی و سازمان‌های غیر دولتی برای ترکیب منابع و ارتقاء همکاری با هدف مواجهه با وظیفه جلوگیری از درگیری‌های معاصر وجود دارد. سازمان ملل متحد با تشکیل بخش مطالعات سیاسی ملل متحد، تلاش کرده است اشتغالات را متمرکز و جریان میانجی‌گری و سازوکارهای واکنش و همکاری سازمان‌های غیردولتی را تقویت کند. اگر چه در طراحی سازوکارهای جامع برای جلوگیری از ناتوانی و فروپاشی دولت‌ها موفق نبوده است.

همکاری سازمان‌های غیردولتی فراملی در زمینه پیشگیری از درگیری، باید به صورت ویژه توصیف شود. این امر نهادینه نشده و یا اینکه در مرحله جنینی است. به هر صورت، ضرورت آشکاری برای توسعه ارزش‌ها و توانائی‌های نهادینه در جهت جلوگیری از درگیری‌های داخلی وجود دارد. برخی از تحلیل‌ها بر ایجاد یک رژیم بین‌المللی جلوگیری از درگیری که دارای نشان اخلاقی به عنوان شرط لازم برای پیشگیری است، تأکید می‌کنند. چنین رژیمی باید قادر به پاسخگویی به هشدارهای عملیاتی مبتنی بر استانداردهای ذاتی و مشترک برگرفته از اطلاعات تفسیر شده و تجمیع منابع دولت‌ها، سازمان‌های بین‌الدولی و سازمان‌های غیر دولتی باشد. [۳۲] بی تردید غیر رسمی بودن سازمان‌های غیردولتی امکان دسترسی به طرفین را به خوبی برایشان فراهم می‌نماید و لازم است برای موفقیت فعالیت‌های مستقیم خود در پیشگیری از درگیری ضمن رعایت اصل بی طرفی و انصاف به چند مسئله توجه داشته باشند؛ الف- سازمان غیردولتی باید با کشور با کشورهای موضوع درگیری و شرکت کنندگان در درگیری آشنایی داشته باشد، ب- سازمان غیردولتی بایستی شرکای بومی و محلی داشته باشد. و بتواند اعتماد طرفین را جلب کند، ج- وظیفه و اشتغالات سازمان غیر دولتی باید در راستای حل درگیری بوده، دانش آن را داشته باشند، د- کارکنان سازمان غیردولتی باید خطری که در مداخله مستقیم با درگیری با آن مواجه هستند را درک کرده، بپذیرند.

به‌طور خلاصه، پیشگیری از درگیری مفهوم پر چالشی است و در هر زمانی چهره‌ای متفاوت و اقتضایی جدید داشته است. ارتقاء این مفهوم هیچ‌گاه از طریق تدوین یک دستورالعمل اصولی مورد توجه واقع نشده است. دستورالعمل مورد نظر باید بتواند یک فرهنگ بین‌المللی را برای پیشگیری از اختلاف ارائه دهد به همان شکل که در خصوص حقوق بشر، عدالت و دموکراسی اتفاق افتاده است.

مقررات انسانی ذکر شد، بدون این که ضمانت اجرایی برای آن آورده شود. پس از آن تا کنون شاهد توسعه ای حقوق کنترل تسلیحات و خلع سلاح به طور جدی هستیم.

از زمان تاسیس سازمان ملل، هدف های چند جانبه خلع سلاح و محدود کردن تسلیحات از تلاش های اصلی برای حفظ صلح و امنیت بین المللی بوده است. بیشترین اولویت به کاهش و در نهایت حذف سلاح های هسته ای، نابودی سلاح های شیمیایی و تقویت ممنوعیت سلاح های میکروبی، اختصاص داشته است. اما اینک به موضوع تکثیر بیش از حد و بی ثبات کننده سلاح های کوچک و سبک پرداخته، برای مبارزه با کار گذاشتن فراوان مین های ضد نفر تمهیداتی اتخاذ کرد است. علاوه بر این، تدارک ضوابطی برای جلوگیری از گسترش فن آوری موشک های بالیستیک، بقایای انفجاری جنگ و تاثیر فن-آوری های جدید اطلاعاتی بر امنیت بین المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

منشور ملل متحد بصورت صریح و ضمنی در مقدمه و در مواد خود به موضوع خلع سلاح پرداخته است. به یقین یکی از ابزارهای دسترسی به ضرورت ها، اهداف و اصول مندرج در منشور ملل متحد، خلع سلاح است. در این میان تامین صلح دائمی و پایدار در ارتباط تنگاتنگ با این مفهوم بوده، گسترش تسلیحات بر تمامی تلاش های جامعه بین المللی برای تحقق و تحکیم صلح تاثیر منفی دارد.

اگر چه در حقوق بین الملل هنوز قاعده ای وجود ندارد که دولت ها را ملزم به تعیین حد و حدود در گسترش تسلیحات نظامی نماید، اما شورای امنیت به طور مکرر افزایش سلاح های کشتار جمعی مثل سلاح های هسته ای و شیمیایی و بیولوژیکی را "تهدیدی بر صلح" به شمار آورده است. با این وجود صرف تکثیر سلاح های متعارف یا کلاسیک را "تهدید علیه صلح" مطابق ماده ۳۹ منشور تلقی نکرده است. [۳۷]

پیوند فرایند خلع سلاح و کنترل تسلیحات با صلح و امنیت بین المللی سبب شده که اعمال برخی اصول ناظر بر حقوق معاهدات به ویژه آزادی ورود به معاهدات خلع سلاح با سهولت خروج از آنها با موانع عملی و چالش های نظری مواجه گردد. در این راستا است که فرایند بین المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات سبب محدودیت در ماهیت و شکل اصل حاکمیت شده، آزادی عمل دولت ها در حوزه تسلیحات تعدیل تدریجی یافته است. [۳۸]

جامعه جهانی از طریق تلاش های مداوم به موافقت نامه های چند جانبه و منطقه ای به منظور کاهش زرادخانه های هسته ای، جلوگیری از استقرار آنها در مناطق و محیط های خاص چون بستر اقیانوس ها و محدود کردن تکثیر و خاتمه دادن به آزمایش آنها دست یافته است. با این وجود، سلاح های هسته ای و تکثیر آنها هم چنان تهدیدی مهم برای صلح و چالشی عمده برای جامعه بین المللی است. [۳۹] در زمینه سلاح های شیمیایی [۴۰] و میکروبی [۴۱] نیز اگر چه کنوانسیون هایی منعقد شده اما هنوز هم همگانی کردن و اجرای کامل کنوانسیون های مذکور و جلوگیری از تکثیر سلاح های میکروبی و شیمیایی، وظیفه ای مهم برای جامعه بین المللی به شمار می رود.

سازمان های غیر دولتی می توانند با اتکالی به چنین دستورالعملی نیروی محرکه بیابند.

اگر چه همکاری بیشتر و منسجم تر بین دولت ها، سازمان های بین-الدولی و سازمان های غیردولتی در چارچوب فراملی مورد تمایل نیست، اما پیش شرط ارتقاء توانائی های جامعه بین المللی برای مقابله با درگیری های معاصر است.

جامعه بین المللی و اهمیت خلع سلاح

"خلع سلاح" روندی است که در صدد نابودی کامل تمام و با دسته معینی از تسلیحات می باشد و در کنار آن واژه "کنترل تسلیحات"، با معنای تعیین محدودیت های کمی با کیفی برخی از تسلیحات معرفی گردیده است [۳۴] منظور از تسلیحات، انواع تسلیحات کشتار جمعی چون سلاح های هسته ای، شیمیایی و بیولوژیکی و نیز سلاح های متعارف چون مین های ضد نفر و سلاح های سبک و کوچک را در بر می گیرد.

اهدافی که برای نظام خلع سلاح و کنترل تسلیحات قابل تصور است عبارتند از:

- کاهش وقوع درگیری و جنگ بین دولت ها.
- کاهش درد، رنج و صدمه بر جمعیت و نیروی انسانی دولت ها در صورت وقوع جنگ.

- کاهش مخارج تسلیحاتی و در نتیجه تقلیل هزینه های جنگ.

- مشارکت در مدیریت منازعات مسلحانه از طریق ارایه چهارچوبی برای مذاکره میان طرفین متخاصم و کاهش تنش ها. [۳۵]
از این رو عده ای حقوق بین الملل جنگ و حقوق کنترل تسلیحات و خلع سلاح را مکمل یکدیگر معرفی نموده اند. در عین حال ارتباط عمیق و اشتراک مفاهیم حقوق بین الملل بشردوستانه نظیر احترام به غیر نظامیان و محدودیت های حاکم بر نوع تسلیحاتی که احتمالاً مورد استفاده قرار می گیرد را یادآوری می کنند. اگر چه حقوق خلع سلاح در مقایسه با حقوق بشردوستانه عمری طولانی ندارد، اما حداقل وجه اشتراک هر دو، محدودیت استفاده از برخی سلاح ها در طول درگیری های مسلحانه است که با اقدامات بشردوستانه و در قالب حقوق بشردوستانه جان گرفته و پس از آن توسعه یافته است. [۳۶]

اساس شکل گیری حقوق بشردوستانه، تجدید آزادی عمل دولت های حاکم و درگیر در جهت انسانی کردن مخامسمات است. در این راستا، دولت ها پذیرفته اند، که سلاح ها و روش های مورد استفاده در درگیری ها، باید تنها اهداف نظامی را نشانه بگیرند. ضمن این که متناسب با اهداف نظامی و ضرورت های متعارف و در جهت دستیابی به آن اهداف بکار گرفته شوند. علاوه بر این نباید باعث رنج بیهوده قربانیان و یا موجب صدمه بیش از حد بشوند.

در حقیقت نقطه آغاز فرایند خلع سلاح تنظیم اسناد و قواعد الزام آور بشردوستانه با هدف جلوگیری و محدودیت در کاربرد تسلیحاتی است که درد و رنج بیش از اندازه بر انسان وارد می کنند. این اتفاق اولین بار در سال ۱۸۶۸ و با صدور اعلامیه بین المللی منع استفاده از نارنجک های انفجاری زیر ۴۰۰ گرم در سن پترزبورگ که به امضای ۱۹ کشور رسید، رخ داد. علت اصلی صدور چنین اعلامیه ای جلوگیری از افزایش درد و رنج انسان ها و مغایرت آن با قوانین و

امروزین جامعه جهانی توصیف شده است. سلاح‌های کوچک و جنگ افزارهای سبک نه تنها موجب ورود صدمه بر بسیاری افراد می‌گردند، بلکه آسیب‌پذیرترین افراد به گونه‌ی نامتناسبی از آنها متحمل صدمه می‌شوند. [۴۳] نتیجه چنین تفکری، تشکیل کنفرانس بین‌المللی در ۲۰۰۲ و صدور برنامه اقدام برای کنترل و نظارت بر تولید و جلوگیری از تجارت غیر قانونی اسلحه کوچک و سبک بود.

طبق دیباچه برنامه اقدام مذکور، تجارت غیر قانونی اسلحه کوچک و سلاح‌های سبک در همه جنبه‌های آن باعث تداوم مناقشات، تشدید خشونت، کمک به آوارگی غیر نظامیان تضعیف احترام به قوانین بشردوستانه بین‌المللی و ممانعت از ارایه کمک‌های بشردوستانه به قربانیان مناقشه مسلحانه شده است. از این رو این عمل به آتش جنایت و تروریسم دامن می‌زند، باعث ادامه مناقشات و مانع توسعه اقتصادی می‌شود.

مطابق بیانیه رئیس شورای امنیت در همین زمینه [۴۴] انباشت بی-ثبات کننده و گردش بدون کنترل اسلحه کوچک و سلاح‌های سبک در بسیاری از مناطق جهان، شدت و طول مدت مناقشات مسلحانه را زیاد می‌کند. علاوه بر این از قابلیت پایداری قراردادهای صلح می‌کاهد و مانع موفقیت تلاش‌ها در زمینه برقراری صلح می‌شود. چنین وضعیتی تلاش‌ها برای پیشگیری از درگیری مسلحانه را خنثی می‌کند، جلوی ارائه کمک بشردوستانه را به طرز قابل توجهی می‌گیرد و کارایی شورای امنیت را در انجام مسئولیت اصلی آن در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره می‌اندازد. تاثیر مستقیم اقدامات جهانی در زمینه خلع سلاح و کنترل تسلیحات بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و بشری و حمایت از پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی خصوصاً در کشورهای کمتر توسعه یافته از طریق منابع مالی آزاد شده ناشی از خلع سلاح مشوق و عامل حرکت جدی تر و کارآمدتر در زمینه خلع سلاح است. این مهم، به عنوان بستر دستیابی به صلح حرکت جهانی، مشارکت تمامی گروه‌های بشری نظیر آنچه در کنوانسیون اتاوا در مورد مین‌های ضد نفر و در جنبش سلاح‌های کوچک اتفاق افتاد را می‌طلبد.

نقش سازمان‌های غیر دولتی در نظام خلع سلاح و کنترل تسلیحات کنوانسیون اتاوا استفاده، ذخیره‌سازی، تولید و انتقال مین‌های ضد نفر را ممنوع اعلام و دولت‌ها را متعهد و مکلف می‌سازد تا مین‌هایی را که در ذخایر آنها وجود دارد، نابود کنند. مطابق این کنوانسیون دولت‌ها متعهد هستند اراضی مین گذاری شده در سرزمین‌های تحت صلاحیت یا کنترل خود را مین‌زدایی نمایند و به کمک مساعدت قربانیان مین‌های مذکور بپردازند. این کنوانسیون، یکی از اولین سنگ بناهای دستور کار امنیت انسانی بود که خصوصاً از سوی دولت کانادا مورد حمایت قرار داشت. [۴۵] نکته مهم این است که در این کنوانسیون محدودیت مین‌های ضد نفر از منظر امنیت انسانی و نه از دیدگاه خلع سلاح، دیده شده است. مسئله مهم در اینجا بحران بشردوستانه گسترده‌ای است که از وجود و بکارگیری

در زمینه سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای با تلاش‌های مداوم جامعه جهانی موافقت نامه‌های متعدد دو و چند جانبه به منظور کاهش، محدودیت تکثیر، خاتمه دادن به آزمایش و جلوگیری از استقرار در مناطقی چون فضای ماورای جو و بستر اقیانوس‌ها انجام گرفته است. از مهم‌ترین آنها معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای^۱ و پروتکل‌های الحاقی آن است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۲ نیز به عنوان یک سازمان حفاظتی بر عملکرد دول متعاهد در این زمینه نظارت دارد. با این وجود، عدم پذیرش موافقت نامه‌ها توسط برخی دول مشمول فعالیت‌های هسته‌ای و نیز عدم پایبندی دولت‌های متعهد به تعهدات پذیرفته شده، هم‌چنان تهدید مهمی برای صلح و چالش اساسی برای جامعه بین‌المللی است.

فعالیت‌های مربوط به ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی روندی است که از ۱۹۲۵ طبق پروتکل ژنو آغاز شد و از ۱۹۹۷ با اجرای کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی^۳ وارد مرحله جدیدی شده است. سازمان ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی^۴ ماموریت بازرسی و نظارت بر این فعالیت‌ها را به انجام می‌رساند.

تکثیر روزافزون و استفاده همگانی از مین‌های ضد نفر در سراسر جهان، زمینه انعقاد کنوانسیون سلاح‌های سنتی خاص [۴۲] موسوم به کنوانسیون سلاح‌های غیر انسانی و پروتکل الحاقی دوم آن در ۱۹۹۵ را فراهم کرد تا محدودیت در باره استفاده و انتقال انواع خاص مین‌های ضد نفر را تقویت کند. با این وجود ناکافی بودن واکنش‌ها در مقابل این بحران بشری، منجر به انعقاد کنوانسیون ممنوعیت استفاده، ذخیره، تولید و انتقال مین‌های ضد نفر و نابود کردن آنها در ۱۹۹۷ در اتاوا گردید. کنوانسیونی که مبداء آشکاری برای فعالیت گسترده و عمیق سازمان‌های غیردولتی و تغییر در نگرش انحصاری به این گونه معاهدات شده، ابعاد بشردوستانه و اجتماعی را بر وجوه کنترل تسلیحات، غلبه بخشید.

در حال حاضر ۱۴ کارگزاری، برنامه، اداره و صندوق ملل متحد با همکاری جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی در محل‌های آلوده به مین فعال هستند. آنها مین‌های زمینی و بقایای انفجاری جنگ‌ها را کشف و نابود می‌کنند، به مردم یاد می‌دهند چگونه ایمنی خود را در مناطق مین‌گذاری شده حفظ کنند، ذخایر مین را نابود می‌کنند و مشارکت جهانی در پذیرش و اجرای توافق‌نامه‌های بین‌المللی مرتب‌تر را تشویق می‌کنند.

از آنجا که اغلب سلاح‌های انتخابی در مخاصمات پس از جنگ سرد مانند فاجعه رواندا، اسلحه کوچک و سبک بود، حساسیت جامعه جهانی را برای جلوگیری از تجارت غیر قانونی آن بر انگیخت. این سلاح‌ها به عنوان عاملی مهم در تشدید خشونت، تسهیل استفاده از کودکان جنگجو، ممانعت از ارایه کمک‌های بشردوستانه و تاخیر در بازسازی و توسعه پس از درگیری شناخته شده‌اند. با توجه به اثر عمیق و گسترده سلاح‌های کوچک و جنگ افزارهای سبک بر امنیت افراد، جلوگیری از تکثیر و پخش سلاح-های کوچک به عنوان یکی از روشن‌ترین و مبرم‌ترین دغدغه‌های

3. CWC

4. OPCW

1. NPT

2. IAEA

بان حقوق بشر در نیویورک فعالیت می کردند. بعداً تعداد اعضا حاضر در کمپین به ۱۲۰۰ سازمان غیردولتی از ۶۰ کشور ارتقاء یافت. اگرچه کمیته بین المللی صلیب سرخ به دلیل اختیاراتش به طور رسمی به کمپین ملحق نشد، اما به همراه جوامع صلیب سرخ و هلال احمر و فدراسیون آنها بطور کامل از کنوانسیون اتاوا حمایت کردند. بین دولت کانادا و رهبران کمپین نیز همکاری بالایی وجود داشت و در طول کمپین ۱۰ ماهه بر اهداف مشترک تکیه کردند. دولت کانادا نیز در فرایند اتاوا، تلاش فراوانی برای برجسته کردن نقش کمپین داشت. سازمان های غیردولتی در دو مرحله فرایند اتاوا حضور داشتند: مرحله اول، مذاکرات وسیع تر در بروکسل و اسلو که بسیاری از سازمان های غیردولتی در سطح گسترده ای مشارکت نمودند. در بن، حق صحبت و رایزنی داشتند اما حق رای نداشتند. در وین مواضع خود را در قالب بیانیه ارایه دادند و البته تقاضاهایی برای تفکیک جایگاه آنان از نمایندگان دیپلماتیک مطرح شد که با اعتراض و فشار کمپین مواجه گردید. در اسلو، دولت نروژ بیشترین دسترسی را برای آنان فراهم نمود؛ از جمله این که فضای اداری مناسب در مرکز کنفرانس دیپلماتیک برای آنها ایجاد کرد. سازمان های غیردولتی در خصوص نتایج سوء اقتصادی و اجتماعی مین های ضد نفر تلاش کرده، به طور دقیق و مستند اطلاع رسانی هایی نمودند که از دولت ها ساخته نبود. علاوه بر آن، در جهت نشان دادن ارزش های بشردوستانه معاهده، تمایز آن با دیگر معاهدات مشابه خلع سلاح و یا کنترل تسلیحات و نیز روشن سازی ابعاد اجتماعی آن و نه صرفاً ابعاد نظامی، فعالانه آگاهی بخشی نمودند. در بررسی تفصیلی و نهایی فرایند اتاوا، ایفای نقش سازمان های غیر دولتی مشارکت موثر آنها با دولت ها و سازمان های بین الدولی و ابعاد بشردوستانه معاهده مذکور ملاحظاتی ذیل قابل توجه است.

References

1. Khaghanizade M, Siratinayer M, Abdi F, Kaviyani H. Level of mental health employed nurses in the hospitals of Tehran University of medical. Quart Principles Mental Health, 2006; 31;141-147. (In
2. Anderson, Mary (1999), How Aid Can Support Peace or War, Colorado: Lynne Reiner Publishers.p: 235.
3. Navabinejad, 1378. Family and children and adolescent mental health, 7th edition. Tehran: Olya Publications. Teachers.
4. Greenberg, J. (2003) Managing workplace stress by promoting organizational justice. Organizational Behavior, 24, 561-583.
5. Ibid , Para7
6. Ibid , Para 8-10

مین ها نشأت می گیرد. تفاوت رهیافت امنیت انسانی با رهیافت کنترل تسلیحات در میزان نقش مستقیمی است که اقدام های به عمل آمده در این رهیافت ها بر امنیت افراد دارد، چرا که هدف نهایی امنیت انسانی تضمین امنیت افراد است. [۴۶]

شکل گیری کنوانسیون مین های ضد نفر اتاوا که از آن به "فرایند اتاوا" یاد می شود، از نظر بسیاری از متخصصین بین المللی، سیاستمداران و دست اندرکاران سازمان های بین المللی، به عنوان تغییر دموکراتیک مسیر توسعه حقوق بین الملل تعریف شده است. با ورود سازمان های غیر دولتی بین المللی که اغلب به عنوان جامعه مدنی جهانی از آنها یاد می شود به فرایند اتاوا، که روند دیپلماتیک و تصمیم سازی حقوق بین الملل بوده است، خیلی ها عقیده دارند که این کنوانسیون دموکراتیزاسیون حقوق بین الملل و منبع جدید مشروعیت آن بوده که از پایین به بالا شکل گرفته است. [۴۷] برای بسیاری از متخصصین حقوق و سیاست بین الملل، مهم ترین رخدادهای حقوقی دهه ۱۹۹۰ امضای کنوانسیون اتاوا و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی ۱۹۹۸ در رم بوده است. [۴۸].

نتیجه

با توجه به ارتباط مستقیمی که میان مسئله صلح و سلامت روان در تمام جهان وجود دارد می توان به نقش سازمان های غیردولتی (نظیر سازمان بهداشت جهانی) در پیشبرد اهداف صلح اشاره نمود. زیرا برقراری صلح جهانی در همه ابعاد آن از فقدان جنگ گرفته تا برقراری عدالت، از بین رفتن فقر و تنگدستی، عدم تبعیض، خلع سلاح و کنترل تسلیحات و... در سازمان های غیر دولتی بحث برانگیز بوده و حتی در سازمان ملل قابل دفاع می باشد. کنوانسیون اتاوا برای اولین بار در طول یک قرن، سلاخی اصلی و سنتی را وارد سیستم خلع سلاح و کنترل تسلیحات نمود و با مشارکت بسیاری از دولت ها استفاده از آن را قاعده مند کرد. اهمیت این موضوع، به ویژه از حیث اقدامات فعالانه سازمان های غیر دولتی بود که ورود موفق آنان را به عرصه دیپلماتیک و فرایند قاعده سازی و تصمیم گیری بین المللی به دنبال داشت. عرصه ای که تاکنون در انحصار دولت ها و سازمان های بین المللی بود و از طریق دیپلمات های معرفی شده و نمایندگان رسمی دنبال می شد. از این رو برخی این وضعیت را به عنوان "دموکراتیزاسیون حقوق بین الملل" معرفی کردند. و وزیر خارجه کانادا فرایند اتاوا را "نمونه جدیدی از دیپلماسی در عصر جدید" خواند. گام های اولیه حضور سازمان های غیر دولتی توسط کمیته بین المللی صلیب سرخ در دهه ۱۹۸۰ و با تلاش های آگاهی بخش در سطوح عمومی، قانونی و دیپلماتیک در خصوص رنج ها و صدمات وارده به قربانیان مین های زمینی آغاز شد و اقدامات این نهاد منجر به اتحاد سازمان های غیر دولتی مرتب و در نهایت تشکیل کمپین بین المللی مین های زمینی شد. گروه های اولیه و کمیته اصلی هدایت کننده کمپین عبارت از شش سازمان: معلولین بین المللی از فرانسه، دیده بان حقوق بشر از آمریکا، طبیبان بین المللی از آلمان، گروه مشورتی در مورد مین ها از انگلستان، پزشکان برای حقوق بشر از آمریکا و بنیاد کهنه سربازان ویتنام از آمریکا بودند. آنها از ۱۹۹۲ با تشکیل کمپین های متعدد و اقدامات غیررسمی عملاً در دفاتر دیده

- Crocker , Fen Hampson and Pamela Aall , Washington D.C.1996 pp . 433-444.
20. . Connie Peck, op. cit., pp. 294-285
 21. www.santegidio.org/
 22. Connie Peck, op. cit., pp. 298-296
 23. Louis Kreisburg , The Development of the Conflict Resolution Field in William Zartman and Lewis Rasmussen (eds), Peacemaking in International Conflict , USIP : Washington D.C. 1996,pp.67-68.
 24. . Karlypso Nicolaidis , International Preventive Action : Developing a Strategic Framework , in Robert I.Rotberg , ed , Vigilance and Vengeance : NGOs Preventing Ethnic Conflict Divided Societies , Washington , DC: brookings Institution Press , 1995 , pp.27-31.
 25. Karin Aggestam , ibid , p.17.
 26. Karlypso Nicolaidis , International Preventive Action : Developing a Strategic Framework , in Robert I.Rotberg , ed , Vigilance and Vengeance : NGOs Preventing Ethnic Conflict Divided Societies , Washington , DC: brookings Institution Press , 1995 , pp.27-31.
 27. Jonathan Goodhand and David Hulme , From Wars to Complex Political Emergencies : Understanding Conflict and Peace- Building in the New World Disorder , Third World Quarterly , Vol. 20, No 1,1999, p.15.
 28. Pauline Baker , Conflict Resolution Versus Democratic Governance : Divergent Paths to Peace , in Crocker . et al , pp.565-7.
 29. Ann.Hudock , 1999 , NGOs and Civil Society : Democracy by Proxy ? Camberidge : Polity Press , pp.21-23.
 30. Karin Aggestam . ibid , pp.18-19.
 31. . Elliot , Jeffrey M.& Reginald , Robert , The Arms control , Disarmament , and Military Security Dictionary , Oxford , Clio Press Ltd , 1989 , P272.
 32. . Nader Saed, the process of weapons and arms control in international law...,
 7. Ibid , Paras , 25-29
 8. Ibid , Paras , 31-39
 9. Ibid , Paras , 81
 10. Ibid , Paras 82-83
 11. Raimo Varynen , Preventing Deadly Conflicts : Failures in Iraq and Yugoslavia , Global Society , Vol . 14 , No.1,200,p.6.
 12. Jonathan Goodhand and David Hulme , From Wars to Complex Political Emergencies: Understanding Conflict and Peace – Building in the New World Disorder , Third World Quarterly , Vol , 20,No,1,1999,pp,18-24.
 13. Mary Robinson The Next Human Rights Agenda : Preventing Conflict . New Perspectives Quarterly in Vol .16,No , 5, F
 14. Simona Sharoni , Conflict Resolution and Peacemaking from the Bottom Up: The Roles of Social Movements and People's Diplomacy , in Dossier IUPIP , in Dossier IUPIP International Course , Rovereto , October 2000.
 15. Paul Van Tongeren Exploring the Local Capacity for Peace : The Role of NGOs , in Dossier IUPIP International Course , Rovereto , October 2000.
 16. Mary Kaldor , New and Old Wars : Organized Violence in a Global Era , Stanford : Stanford University Press , 2001 , pp.10.91.119.
 17. Connie Pack - previous page 284
 18. Carnegie Commission on Preventing Deadly Conflict , Preventing Deadly Conflict : Executive Summary of the Final Report , Carnegie Corporation of New York , December 1997, p.32 , Mary B.Anderson , Humanitarian NGOs in Conflict Intervention , in Chester A.Crocker and Fen Osler Hampson with Pamela Aall , Managing Global Chaos : Sources of and Responses to International Conflict , Washington DC : United Institute of Peace Process , 1996.p.344.
 19. . Pamela Aall , Non-governmental Organizations and Peacemaking in Managing Global Chaos , eds , Chester

Organizations and the Idea of Civil Society , EJIL , 2000, Vol.11, No.1.P.91.

44. . Ibid , p.92

45. . Axworthy , Lloyd , A Ban the People : The Landmines Campaign and the New Diplomacy , Cambridge University Conference on Global Governance , Cambridge , England , 1998 , 9 May.

46. . International Campaign to Ban Landmines

47. . Handicap International
. Human Rights Watch

Journal of the Faculty of Law and Political Science, Vol. 65, 2013, p. 64.

33. Kim Carter, the idea of arms control and disarmament through the application of the regulatory provisions of humanitarian rights, translated by Nader Saed, Research Paper 42, Strategic Research Institute, 2018, pp. 75-73.

34. Farideh Shaygan, United Nations Security Council and the concept of international peace and security, Tehran University Press, 2010, p. 154.

35. Nader Saed, evaluation of the consolidation of nuclear security and the non-proliferation system from the perspective of customary international law, Journal of Legal Research, No. 4, 1382, p. 215.

36. United Nations Office for Public Information, The United Nations in Today's World, vol., pp. 127-124.

37. 1993 Chemical Weapons Convention (CWC)

38. 1972 Microbial Weapons Convention (BWC)

39. Convention on Certain Traditional Weapons, 1980 (CCWC)

40. W Cukier , A. Chapdelaine and C. Collins , Globalization and Small Firearms : A Public Health Perspective , 1999,42(4) , Development 40 , p.40.

41. . Ungerer CJ , Approaching Human Security as Middle Powers : Australian and Canadian Disarmament Diplomacy after the Cold War In WT Tow , R Thakur and Hyun , Asia,s Emerging regional Order : Reconiling Traditionak and Hunan Security , Tokyo , United Nations University Press , 2000 , pp.89-90.

42. . Brem S & Rutherford K , walking Together or Divided Agenda Comparing Landmines and Small-Arms campaigns , 2001 , 32 Security Dialogue 169 , p.177.

43. . Anderson Kenneth , The Ottawa Convention Benning Landmines , The Role of International Non-governmental